

آیا مولود بخوانیم؟

مؤلف:

صادق رجبیان تمک

عنوان کتاب:

آیا مولود بخوانیم؟

مؤلف:

صادق رجیان تمک

موضوع:

آداب و رسوم اسلامی - مناسبت‌های دینی

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب أ
- تقریظ مولوی طه عبدالقدوس رودینی ۱
- میلاذ رسول خدا از زبان تاریخ اسلامی ۹
- وفات آن سرور عالم..... ۱۱
- پیدایش جشن سالروز تولد پیامبر ﷺ ۲۰
- حکم شرعی پیرامون جشن مولود خوانی ۲۳
- شبه افکنی و جواب آن ۲۹

تقریظ مولوی طه عبدالقدوس رودینی

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ
شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَظْلِلْ فَلَا
هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ قَائِدَ الْغُرَّالِ الْمُحْجَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ الَّذِينَ حَمَلُوا رَأْيَهُ
الْجِهَادَ فِي رُبُوعِ الْعَالَمِينَ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

وَأَمَّا بَعْدُ:

رساله‌ی پرمحتوای برادر بزرگوار و ارزشمند جناب آقای صادق
رجبیان تمک که از جوانان غیور و متدین به دین مبین اسلام و
متمسک به سنت‌های نبی کریم صلوات الله و سلامه علیه را مورد
مطالعه و بررسی قرار دادم که انصافاً ایشان در مقدمه و همچنین در
ترجمه حق مطلب را ادا کرده و برای عزیزانی که به دنبال حقیقت بوده
و شریعت را می‌خواهند تبعیت و پیروی کنند چراغی روشن فرا روی
آنها قرار داده، حال اگر عزیزی از روی تعصب خشک و کورکورانه
جاهلی تبعیت می‌کند و نمی‌خواهد حق را که اظهر من الشمس است
بپذیرد این بیت را به او می‌گوئیم که:

اگر شب پره چشم نبیند چشمه‌ی آفتاب را چه ضرر
و در پایان آرزوی موفقیت روزافزون برای برادر عزیزم و همه‌ی
جوانان غیور می‌نمایم و از خدا می‌خواهم چشمان ما را بر حقیقت باز
کند و گوش‌هایمان را بر آن شنوا گرداند و زبان مان را بر آن گویا و

ناطق بفرماید و قلوب همه ما را بر ایمان ثابت نگه داشته و قدمهایمان
را استوار بدارد. آمین یا رب العالمین.

خادم العلم و الدین

عبدالقدوس رودینی

سلام و درود خداوند متعال بر رسول گرامی و سلام بر اصحاب گرانقدر آن سرور عالم.

حضرت محمد ﷺ در سن چهل سالگی از طرف خداوند متعال به پیامبری مبعوث گردید، و دعوت رسالت را از قوم خود آغاز کرد، پس از آن دین مبین اسلام را به مردم تشریح و ابلاغ نمود، که خداوند را به یگانگی بیپرستند و هیچ شریکی برای او قائل نشوند. و حدود ۱۳ سال مردم را به یکتاپرستی فرا خواند، سپس آزار و اذیت از سوی مشرکان و بت پرستان مکه شدید و شدیدتر شد، و فرمان هجرت از سوی خداوند متعال رسید تا با همراهی ابوبکر صدیق رضی الله عنه که یار غار بود آهنگ مدینه را کردند و قریب ۲۳ سال، تمامی آنچه در مکه و مدینه از طرف خداوند متعال به او نازل گشته بود، بدون هیچ کم و کاستی به مردم ابلاغ و رسالتش را با دین اسلام به کمال رساند: خداوند متعال چه نیکو در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]. «امروز من دینتان را کامل نمودم و نعمتم را (که دین اسلام است) به پایان بردم و اسلام را بعنوان دین کامل پذیرا شدم». این آیه در رابطه با کامل شدن دین و شریعت اسلامی نازل شده و گویای آن است، حضرت رسول گرامی ﷺ تمامی آنچه را گفتنی بود در مدت رسالت ده سال در مدینه به تربیت چندین هزار صحابه، مجاهد، مهاجر و انصار پرداختند، هر آنچه لازم بود از طرف خداوند متعال به بیان آن کوتاهی نکرده و به اندازه تار مویی جا نمانده که نگفته باشد و به یاران خود آموخت، آنان

نیز بوسیله تابعین و تبع تابعین و کسانی دیگر تا حاضرین رساندند خداوند از آنان خشنود باشد.

اما وظیفه ما در مقابل دین و شریعت اسلامی چیست؟ آنچه لازمه دین است از سنت رسول الله ﷺ بر جا مانده است که در کتب صحاح سته (شش کتاب حدیث که توسط محدثین بزرگوارى نگاشته شده و مورد قبول اهل سنت و جماعت نیز می باشد) و مسند و دیگر کتب بر جا مانده از شریعت اسلامی تبیین شده است و ما بدون هیچ عذری باید پذیرا باشیم.

و خداوند متعال در خصوص حفظ قرآن از هرگونه تحریف و تبدیل در کلام زیبا چنین می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]. «همانا ما قرآن را نازل کردیم و خود نگهبان آنیم».

قرآن شریف کلام خداوند متعال است که توسط رسول اکرم ﷺ بیان گریده زبان رسول قرآن است و کلام رسول خداوند است ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۴-۵]. و باز خداوند متعال در مورد پیروی از سنت رسول گرامی خود چنین می فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۱۷]. «هر آنچه پیامبر برای شما آورده است بگیرید و از آنچه شما را نهی فرموده باز ایستید».

و باز خداوند متعال در خصوص بازگشت به دو منبع شریعت اسلامی که آن قرآن و سنت (حدیث) می باشد اینگونه بیان می کند و می فرماید:

﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [النساء: ۵۹].

«اگر در چیزی اختلاف کردید پس آن را به خدا و رسول باز گردانید (یعنی قرآن و سنت پیامبر) اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید».

پس معلوم می‌گردد، تمامی فعل و افعال ما در عبادت باید مطابق با طریقه رسول الله ﷺ باشد و هیچ عبادتی در درگاه خداوند متعال مقبول نیست مگر به اطاعت و طریقه رسول او.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱]. «بگو (ای محمد) اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست داشته باشد و گناهانتان را ببامزد، خداوند آمرزندهٔ مهربان است». حتّی خداوند در قرآن کریم محبت و دوستی نسبت به خودش را مستلزم اطاعت از سنّت و طریقه رسول الله ﷺ می‌داند. و باز خداوند متعال در خصوص اطاعت از رسول گرامی ﷺ چنین می‌فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰].

«هرکس از رسول اطاعت کند همانا از خداوند اطاعت کرده است». و باز روشن گردید بدون اطاعت از رسول اکرم ﷺ هیچ عبادتی در درگاه خداوند متعال مقبول نیست.

بدان: اصول استنباط شریعت اسلامی سه چیز است؟ کتاب الله، سنّت و اجماع.

حال کسانی آمده‌اند مولود خوانی (جشن روز تولد پیامبر) را جزء عبادت و حتی بالاتر از آن قرار می‌دهند و توجه به حدیث رسول اکرم ﷺ ندارند که می‌فرماید:

«مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^۱. یعنی: «هر کسی بغیر از دستورات ما چیزی ابداع کند آن چیز مردود است و قابل قبول نیست». و باز در جایی دیگر می‌فرماید: «إِنَّ كَذِبًا عَلَىٰ لَيْسَ كَكَذِبِ عَلَىٰ أَحَدٍ، مَنْ كَذَبَ عَلَىٰ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ». [حدیث متفق علیه] است یعنی: «نسبت دادن سخن دروغ به من مانند نسبت دادن دروغ به هیچکس دیگر نیست، هرکس سخن دروغی را به من نسبت دهد، جایش را در دوزخ آماده نماید».

اما در رابطه با مولود خوانی بعد از مطالعه قرآن و سنت پیامبر، تاریخ اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا صحت و ماهیت آن معلوم و مشخص گردد، برای مولود خوانی دلیلی در قرآن و احادیث نبوی ندیدم، و حتی در گفتار صحابه و از سلف صالح سند و دلیل برای ما وجود ندارد، اگر چنین چیزی بود صحابه کرام و یا تابعین یا علمای سلف صالح از ما تشنه‌تر و پیش قدم‌تر بودند و آن کار را انجام می‌دادند، بنابراین هرکس چیزی را پدید آورد اعم از قول یا فعل و آن را وسیله تقرب بخدا بداند، از نزد خود شریعتی ساخته است، مولود خوانی نیز چنین است.

بعضی‌ها آمده‌اند بدور از شریعت اسلامی و عده‌ای از عوام الناس در بین مردم بخاطر سودجویی و کسب درآمد و یا نام مسلک آن را ابداع

^۱ - متفق علیه امام بخاری و مسلم.

کرده‌اند و بصورت عبادت در آورده‌اند که هیچ پایه و اساس شرعی ندارد. در این مقاله تولد و رحلت رسول گرامی از منابع معتبر تاریخ اسلامی استخراج گردید، تا برای عموم مردم روشن گردد و خود آنان قضاوت نموده و راه خود را باز شناسند تا از مسیر اصلی (راه مستقیم) دور نگردند.

اما: در مقام و منزلت رسول گرامی به مدح، یاوه سرایی و بلند پروازی نباید بپردازیم، و پیامبر گرامیمان را آنطور که قرآن توصیف و بیان نموده است و می‌گوید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾﴾ [القلم: ٤]. به مردم بازشناسانیم و تعریف و تمجید رسول گرامی را آن طور که شایسته است تمجید نمائیم، نباید به غلو و یا تا حد (نعوذ بالله) مقام خداوند بالا ببریم این کار درستی نیست. و رسول الله ﷺ بارها از مدح و غلو امت خود را منع و نهی کرده و می‌فرماید: «لَا تُظَرُّونِي كَمَا أَظَرَّتِ النَّصَارَىٰ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ، وَلَكِنَّ قُولُوا: عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ»^۱. یعنی: «پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: مرا در مدح کردن از حد نگذرانید که اینک مسیحیان در حق حضرت عیسی بن مریم بن مریم زیاده از حد مدح کردند، بدرستیکه من بنده خدا هستم پس بگوئید (محمد) بنده خدا و پیامبرش است».

و باز رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْغُلُوَّ فِي الدِّينِ»^۲. پیامبر ﷺ فرمودند: «بپرهیزید از غلوگرایی (اغراق کردن) همانا بیش از حد مدح گویی مردمان قبل از

^۱ - صحیح البخاری.

^۲ - سنن النسائی.

شما را به هلاکت انداخت.».

و باز در جایی دیگر می‌فرماید: «هَلَكَ الْمُتَنَطِعُونَ. قالها ثلاثاً»^۱. یعنی پیامبر ﷺ فرمودند: «هلاک شدند متجاوزین از حد (در مدح، تمجید و تعریف نمودن) ۳ بار آن کلمه را تکرار فرمودند». ولی اینطور که بصورت دسته جمعی یا با یک مُشت شعر و قصیده در مدح او می‌سرایند همه آنها مغایر با اصول شریعت اسلامی است، اینگونه گزافه‌گویی و مدح اغراق آمیز بدور از شریعت است.

خلاصه کلام اینکه از رسول اکرم ﷺ اطاعت کنیم، آنچه او آورده و امر به آن نموده و توصیه در حق دیگران کرده است عمل کنیم، و مردم را به آوارگی نیندازیم و دچار دودلی قرار ندهیم و در آخر نگاهی کوتاه داریم به تولد و رحلت او آنچه از زبان و تاریخ اسلامی استخراج گردیده است.

صادق رجیبیان تمک

کلاله - توتلی تمک

۸۳/۱/۲۰

^۱ - امام مسلم، أبوداود، مسند احمد.

ميلاد رسول خدا از زبان تاريخ اسلامي

- واقدي در طبقات خود تولد رسول خدا را چنين بيان مي‌کند: رسول خدا ﷺ روز دوشنبه دهم ربيع الاول متولد شده است و همچنين محمد بن عمر (واقدي) مي‌گويد ابومعشر نُجيع مدني مي‌گفته است پيامبر ﷺ روز دوشنبه دوم ربيع الاول متولد شده است، سعيد بن جبير، از ابن عباس نقل مي‌کرد که مي‌گفت پيامبر در عام الفيل متولد شده است.^۱

- اما صاحب کتاب بزرگ تاريخ کبير، طبري اشاره‌اي راجع به ولادت رسول خدا ﷺ نکرده و حتي سخني به ميان نياورده است، بيشتري بيان آن مربوط به اصل و نسب پيامبر ﷺ بوده است.^۲

- پرفسور علامه شوشتری در کتاب خود، سال ميلاد رسول خدا ﷺ را (۵۷۰ ميلادي) در ماه ربيع الاول گيتي را بوجود مسعود خود منور فرمود^۳، اشاره کرده است.

- صاحب کتاب طبقات ناصري يا همان تاريخ ايران و اسلام مي‌گويند: «ولادت مصطفی ﷺ، روز دوشنبه بود، دوازده روز گذشته بود از ماه ربيع الاول، دو ماه گذشته بود از سال فيل، در عرب عام الفيل خوانند»^۴.

^۱ - طبقات واقدي ج ۱ ص ۹۶ - ترجمه دکتر محمود مهدوي دامغاني.

^۲ - تاريخ کبير طبري - ترجمه - ابوالقاسم پاينده.

^۳ - خاتم النبیین ص ۵۵ - تأليف پروفيسور عباس شوشتری.

^۴ - طبقات ناصري ج ۲ و ۱ ص ۵۶ - ترجمه عبدالحی حبيبي.

- صاحب تاریخ کامل، ابن اثیر در ولادت پیامبر خدا ﷺ گفته: «در عام الفیل که در آن سال ابرهه و اصحاب الفیل به مکه روی داد به جهان آمد». پیامبر خدا ﷺ در روز دوشنبه شب از ربیع الاول گذشته به جهان آمد و در خانه‌ای زاده شد که معروف به خانه ابن یوسف بود و باز درباره تاریخ ولادت پیامبر ﷺ برخی نیز گفته‌اند ده شب از ربیع الاول گذشته بود به جهان آمد برخی گفته‌اند دوشب از این ماه گذشته بود.^۱

- دکتر ابراهیم حسن در کتاب تاریخ سیاسی اسلام در مورد ولادت آن بزرگوار و سرور دو جهان می‌گوید: «محمد ﷺ در نهم ربیع الاول در سال معروف به عام الفیل (۲۰ آوریل ۵۷۱ میلادی) تولد یافت.^۲

- حضرت مولانا سیدابوالحسن ندوی ولادت آن حضرت رسول اکرم ﷺ روز دوازدهم ربیع الاول، عام الفیل (۵۷۰م) چشم به جهان گشود، این روز خجسته‌ترین روز تاریخ بشریت است، روایت معروف همین است اما تحقیق دانشمند معروف فلکیات محمود پاشا مصری این است که تولد آن حضرت ﷺ دوشنبه ۹ ربیع الاول عام الفیل برابر با ۲۰ آوریل (۵۷۱م) است.^۳

- صاحب تاریخ حبیب السیر اینگونه روایت می‌کند: «به روایت جمعی کثیر از اهل سیر و مورخان در هفدهم ماه مبارک رمضان بعثت آنحضرت واقع شد و مذهب طایفه‌ای از اهل حدیث و تاریخ آنست که

^۱ - تاریخ ابن اثیر (تاریخ بزرگ اسلام و ایران) ج ۵ ص ۱۱۷ و ۱۱۶ - ترجمه عباس خلیلی.

^۲ - تاریخ سیاسی اسلام ص ۶۹ - ترجمه ابوالقاسم پاینده.

^۳ - نبی رحمت ص ۹۳ - ترجمه مولانا محمد قاسم قاسمی.

ابتداء نزول وحی در ماه ربیع الاول سال چهل و یکم از ولادت آنحضرت در سیم یا هشتم شهر مذکور صورت وقوع پذیرفت^۱. امّا روز دوشنبه را ابوبکر احمد بن حسین بیهقی در دلایل النبوه درمورد تولد رسول خدا ﷺ چنین می‌نگارد از ابوقتاده روایت است که عربی نظریهٔ پیامبر ﷺ را در مورد روزه روز دوشنبه پرسید، فرمود روزی است که متولد شده‌ام و در همان روز قرآن هم بر من نازل شده است. این روایت به چند طریق با همین الفاظ از ابوقتاده نقل شده و مسلم بن حجاج هم آن را در صحیح خود آورده است و از ابن عباس هم روایت شده است که می‌گفت پیامبر شما ﷺ روز دوشنبه متولد شد^۲. حال روز دوشنبه کدام دوشنبه است.

وفات آن سرور عالم

- امّا واقدی راجع به وفات سرور دو عالم از محمد بن قیس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ روز چهارشنبه یازده شب مانده از ماه صفر از سال یازدهم بیمار شد و بیماری آن حضرت سیزده شب بوده و روز دوشنبه دوم ماه ربیع الاول از سال یازدهم رحلت فرموده است. محمد بن عمر (واقدی) رحلت رسول خدا ﷺ را بصورت‌های مختلف از حضرت علی رضی الله عنه و او از جدش و از ام المومنین عایشه رضی الله عنها نقل می‌کند که پیامبر ﷺ روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول رحلت فرموده است و روز سه شنبه دفن شده است. ولی در مورد تاریخ آن روز اختلاف

^۱- تاریخ حبیب السیر ج ۱ ص ۲۹۶ و ۲۵۹.

^۲- دلایل النبوة ج ۱ ص ۷۲.

نیست^۱، ولی در میان اهل حدیث اختلاف است که کدام دوشنبه بوده است.

- صاحب کتاب کبیر طبری به قول واقدی گوید: «پیامبر ﷺ به روز دوشنبه دوازدهم ماه ربیع الاول درگذشت و نیمروز روز بعد که روز سه شنبه بود، هنگام زوال خورشید، به خاک (سپردند) رفت»^۲. عمره دختر عبدالرحمن گوید: «از حضرت عایشه ام المومنین رضی الله عنها شنیدم که پیامبر ﷺ شب چهارشنبه به خاک (سپردند) رفت و ما ندانستیم تا وقتی که صدای بیلها را شنیدیم»^۳.

- در کتاب طبرسی در ترجمه اعلام الوری چاپ الاسلامیه، بدون تاریخ، بیست و هشتم صفر ثبت کرده است^۴.

- و اما صاحب کتاب خاتم النبیین این طور بیان می کند: «آنحضرت بر حضرت فاطمه رضی الله عنها نگاه کرد و فرمود: «لَيْسَ عَلَيَّ كَرْبٌ بَعْدَ الْيَوْمِ» یعنی: «پس از عصر امروز بر پدرت رنجی نخواهد بود» عصر آن روز». که ۲۸ صفر یا هشتم، یا دهم، یا دوازدهم ربیع الاول بود برای همیشگی و به بهشت برین انتقال فرمود^۵.

- صاحب کتاب بزرگ طبقات ناصری رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله اینگونه بیان می کند: چون سال یازدهم در آمد، در آخر ماه صفر، زحمت و مرض بر ذات مبارک او استیلا یافت، و دوازده روز رنجور بود، روز

^۱ - طبقات واقدی ج ۲ ص ۳۲۸.

^۲ - تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۳۲۶.

^۳ - تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۳۴۲.

^۴ - پاورقی طبقات ج ۲ ص ۳۲۸.

^۵ - خاتم النبیین ص ۳۸۲ و ۳۸۱.

دوشنبه دوازدهم ماه ربيع الاول سنه احدی عشره (سال يازدهم) وقت چاشت از دار فنا، بدار بقا رحلت فرمود.^۱

- ابن اثير در كتاب كامل خود وفات آن حضرت را اين گونه نقل می نماید: «وفات آن حضرت روز دوشنبه دوازدهم ماه ربيع الاول وقت ظهر (نصف النهار) بود گفته شده دو روز مانده از ربيع الاول نيم روز دوشنبه وفات يافت».^۲

- دكتر حسن ابراهيم حسن مؤلف كتاب تاريخ سياسي اسلام روز وفات آن حضرت را چنين می نویسد: «پيغمبر روز دوشنبه ۱۳ ربيع الاول سال دهم هجرت به رحمت خدا پيوست».

- مولانا سيدابوالحسن ندوی صاحب كتاب نبی رحمت اين چنين سخن می گوید: «حادثه وفات، روز دوشنبه دوازدهم ربيع الاول سال يازدهم هجرت بعد از زوال آفتاب پيش آمد آن هنگام سن آن حضرت ﷺ شصت و سه سال بود. به راستی آن روز، تاريخ ترين وحشتناک ترين روز برای مسلمانان و مصيبت بزرگی بر جهان بشریت بود همچنان که روز ميلادش با سعادت ترين روزی بود که خورشيد در آن روز طلوع کرده بود».^۳

- در تاريخ حبيب السیر توضیحات وسیعی راجع به وفات آن حضرت بیان داشته که به شرح ذیل می آوریم:

ایام بیماری احمد مختار ﷺ الاخير چهار روز بوده و دوازده روز و ده روز نیز گفته اند، اگر چه علماء فن حدیث و تاريخ متفق اند که وفات

^۱ - طبقات ناصری ج ۲ و ۱ ص ۷۷-۷۶.

^۲ - تاريخ ابن اثير ج ۱ ص ۴۰۳.

^۳ - نبی رحمت ص ۴۰۸.

سرخیل مکنونات روز دوشنبه واقع بوده اما در این معنی اختلاف نموده‌اند که آنروز داخل ایام اواخر بوده یا در سلک ایام ربیع الاول انتظام داشته و جمعی که آن دوشنبه را از جمله ایام ربیع الاول شمارند باز خلاف کرده‌اند که آن روز چند روز از شهر مذکور گذشته بوده روایت اشهر و اکثر آنکه دوازدهم بوده و برخی برآن رفته‌اند که دوشنبه دوم ماه مذکور آن مصیبت روی نموده و مذهب ابن جوزی آنکه روز غره ربیع الاول بوده و در کشف الغمة مسطور است که محمد بن اسحق را عقیده آنست که واقعه هایلله حضرت خیر البریه علیه السلام و التحیه در دوازدهم ربیع الاول سمت وقوع پذیرفته و این اعتقاد از روی تحقیق خلاف واقع است زیرا که ممهور علماء کتاب و سنت بر این معنی اتفاق دارند که روز عرفه ذی الحجه حجه گذشته که آنحضرت جهت مناسک حج در عرفات تشریف داشت جمعه بود و برین تقدیر لازم می‌آید که غره محرم الحرام نیز جمعه باشد یا شنبه پس اگر فرض کنیم که اول محرم جمعه بوده اول روز صفر شنبه بوده باشد یا یکشنبه و اگر اول صفر یکشنبه یا دوشنبه بود سپس غره ربیع الاول دوشنبه باشد یا سه شنبه و اگر اول صفر دوشنبه بود سپس غره ربیع الاول سه شنبه باشد، چهارشنبه و بنابراین مقدمه از روی حساب نمی‌تواند بود که روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بوده باشد و شیخ شمس الدین محمد جزری در تصحیح المصابیح و حضرت مخدومی جمال الاسلامی در روضه الاحباب در مقام جواب اشکال مرقوم اقلام بلاغت مآب گردانیده‌اند که احتمال دارد که سکنه مکه و مدینه در دیدن هلال ذی حجه گذشته مذکوره به سبب اختلاف مطالع یا بعضی دیگر از موانع مختلف فیه بوده باشد و وقوف در عرفات بنابر روایت اهل مکه بوده باشد و حضرت رسالت مآب و اصحاب چون به مدینه مراجعت نموده

باشد بناء تاریخ را به رؤیت مدینان نهاده باشند و هر یک از شهور ذی الحجه و محرم و صفر سی روز آمده باشد. و برین تقدیر غرهٔ ربیع الاول پنجشنبه خواهد بود و دوازدهم دوشنبه اما دفن حضرت رسول ﷺ با اتفاق اهل سیر شب چهارشنبه واقع شد، نیمه شب یا سحر چنانچه از سیاق کلام گذشته بوضوح می پیوندد^۱.

پایان بخش بررسی تاریخ اسلامی با تاریخ دیگری به اتمام می رسانیم:

- صاحب تاریخ پیامبر اسلام دکتر محمد آیتی نظر دیگری را دارد: دکتر آیتی دوازدهم ربیع الاول را (روز) ورود رسول خدا ﷺ به مدینه (می داند). رسول خدا ﷺ روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول، نزدیک ظهر وارد مَحَلَّةٔ «قبا»ی مدینه شد. عبدالرحمان بن عُویثم بن ساعده می گوید: مردانی از قوم من که همه از اصحاب رسول خدا بودند، (نیز) چنین گفتند: که چون از حرکت رسول خدا از مکه خبر یافتیم^۲» (خبر ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینه را می گویند).

با استناد به تاریخ اسلامی نمی توان گفت رسول اکرم ﷺ در فلان روز یا فلان تاریخ متولد و یا رحلت نموده است چون اختلاف زیادی در سند آن داریم، پس نمی توان روز بخصوصی را جشن بگیریم چون روز تولد روز رحلت هم است.

حالا بعد از پایان بخش مطالب گذشته، بخوانید به مطالب بعد از این که در پیش روی دارید بنگرید به دلایل مبتدعین و جواب ما با دلایل از قرآن، سنت و سلف صالح. (ترجمه رساله هل نحتفل).

^۱- تاریخ حبیب السیر ج ۱ ص ۲۹۸.

^۲- تاریخ پیامبر اسلام ص ۲۲۵ انتشارات دانشگاه تهران.

سعی بر این شده که در ترجمه خیانت نگردد و مقصد و مراد مولف بیان گردد و ما توفیقی إلا با الله علیه توکلت و إلیه أنیب و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

به نام خداوند بخشنده مهربان

حمد و سپاس برالله است ماوی را ستایش می‌کنیم و از او کمک می‌طلبیم و آمرزش گناهانمان را از او می‌خواهیم، و از شر خودمان و کارهای بدمان به او پناه می‌بریم.

هر که را که الله هدایت کرد کسی نمیتواند او را گمراه کند، و هر که را که وی گمراه کرد هیچکس نمی‌تواند هدایتش کند. گواهی میدهم که هیچ معبود بحقی جز الله نیست، خدایی است بی‌همتا که هیچ شریکی ندارد و گواهی میدهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست خداوند به وی و اهل بیتش و اصحابش به همگی آنها درود فرستد و سلامتی و رحمت فراوانی را به آنها عنایت فرماید:

پس از حمد و ستایش:

از مهمترین مسائلی که بر یک مسلمان لازم است، این است که ایمان و باور قطعی به این داشته باشد که محمد مصطفی ﷺ پیامبر ما بوده و خداوند متعال این دین مبین اسلام را با مبعوث گردانیدن وی کامل نموده است، و با فرستادن ایشان بر ما نعمتش را به انجام رسانیده و اینکه بر مردم جایی برای اضافه نمودن و یا کم کردن در دینش پس از رحلت آن بزرگوار نگذاشته است. خداوند می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳].

«امروز من دینتان را کامل نمودم و نعمتم را (که دین اسلام است) به پایان بردم و دین اسلام را بعنوان دین کامل پذیرا شدم».

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «تَرَكْتُكُمْ عَلَى الْبَيْضَاءِ لَيْلَهَا كُنْهَارَهَا لَا يَزِيغُ عَنْهَا بَعْدِي إِلَّا هَالِكٌ». «من بین شما چیزی باقی گذاشتم که بقدری روشن و شفاف است که شبش به روشنی روز است پس از من کسی جز گمراه از آن نمی لغزد». حدیث صحیحی است که ابن ماجه آن را روایت کرده لذا بر هر مؤمن و مسلمانی که بدنبال رهایی و نجات از جهنم است و راهکارهای آن را جستجو می کند لازم و ضروری است که تکالیف خود و عباداتی که انجام می دهد را طبق شریعت الله و بر زبان رسول الله ﷺ بسنجد حاضر نباشد و نه برای دیگران (هر کسی که میخواهد باشد) در دین خداوند شریعت گذاری کند و یا اینکه آنچه را که خداوند اذن و اجازه نداده در آن از عقل و هوی و هوسش استحسان و نیکخواهی کند.

پس هر شخص حقجویی که دوستدار سنت پیامبر است، کاری مانند جشن و شادی و یا مناسبتی و یا عبادتی را انجام نمی دهد مگر از راهی که خداوند بدان اجازه داده و خصوصاً زمانی که به قصد عبادت و خیرخواهی است. و از اینجاست که منظور علما را که می فرمایند «عبادات توقیفی است» می فهمیم و می دانیم که جایی برای تعقل در شریعت یا خوب و یا بد بودن آن از راه عقل بسنجیم. و اگر دلیلی بر این گفته مان می خواهید در این مقاله نمی گنجد ولی به صورت مثال چند تایی را می آوریم. از جمله دلایلمان بر مطلب فوق گفتار خداوند متعال است که می فرماید: ﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُوَ إِلَى

اللَّهِ ﴿[الشوری: ۱۰]﴾. «و هر چند را که در آن اختلاف داشتید پس حکمش از جانب الله است».

و خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ [آل عمران: ۳۱]. «بگو (ای محمد) اگر شما خدا را دوست دارید پس پیرو من شوید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد».

و گفتار پیامبر است: «مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^۱. «هر که در دین ما آنچه را که در آن نیست بیاورد آن چیز مردود است».

و گفتار پیامبر است: «وَأَيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلَّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»^۲. «از حوادث و عادات و آداب و رسوم جدید دور باشید که هر پدیده نئی بدعت است و هر بدعت نیز گمراهی است». و از خواننده محترم می‌خواهم که این عبارت ظریف شرعی را که از شخصی که از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید بلکه گفته‌هایش وحی است از جانب خدا توجه کند که می‌فرماید: هر پدیده جدیدی بدعت (در عبادت) است و هر بدعتی گمراهی است و ناگفته نماند که لفظ کل بمعنی «هر» از الفاظ عموم است یعنی به همه انواع بدعت بدون استثناء شامل می‌شود.

ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: «اتَّبِعُوا وَلَا تَبَدَّعُوا فَقَدْ كُفَيْتُمْ». «اگر تابع سنت شوید و بدعت گذاری نکنید کفایت می‌کند».

^۱ - متفق علیه.

^۲ - حدیث صحیح است ابو داود و ابن ماجه روایت نموده.

برادر مسلمانم: اگر گفته‌هایم برای تو مورد قبول واقع شود و این مفهوم عقیدتی را صادقانه پذیرفتی در این صورت امکان سنجش هر گونه گفتار و یا کردار تعبدی (عبادت گونه) را با مقیاس و میزان سنت به تو دست می‌دهد و می‌توانی تشخیص دهی که آیا این گفتار و یا کردار شرعی است و یا نوآوری؟ آیا سنت و کردار پیامبر است و یا بدعت؟ به عنوان مثال باید بگوئیم که: جشن گرفتن سالروز تولد پیامبر گرامی ﷺ - پیامبری که سرور و سالار ما و پیشوا و رهبر ماست به سوی راه راست خداوند و خاتم پیامبران و سرور رسولان است، پیامبری که رهبر رو سفیدان روز قیامت و برانگیخته به عنوان امام و رحمت جهانیان است آیا کاری شرعی است و یا بدعی؟ در این باره با انصاف و عدل و بدور از هر گونه هوی نفس و تکالیف بشری بحث و بررسی می‌کنیم و آن را با مقیاس و معیار شرع مقدس اسلام سنجیده و در برابر کتاب خداوند متعال قرار می‌دهیم و با سنت پیامبر اکرم ﷺ که می‌فرماید: «إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَأَحْسَنَ الْهُدَى هَدَى مُحَمَّدٍ ﷺ، وَشَرَّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ». «بهترین گفتار کتاب پروردگار است و بهترین راه - راه محمد ﷺ است و بدترین کارها جدیدترین آن‌هاست (در عبادت) و هر نوآوری بدعت است و هر بدعت گمراهی است». محک می‌زنیم (در واقع سنگ محک ما مسلمانان در همه امور همان کلام الله و سنت رسول الله است) پیامبری که ما را با اخبار صادقش به چنگ زدن به راه بهترین انسان‌ها و پاک‌ترین آنها توصیه می‌کند. هنگامیکه می‌فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ،

ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ^۱. «بهترین انسان‌ها افرادی هستند که با من معاصرند (صحابه) پس کسانی که با آنها معاصرند (تابعین)». از خداوند متعال مسئلت دارم که بر ما راه حق را نشان داده و بهره‌وری آن را نصیب ما گرداند و راه باطل را نیز نشان داده و دوری جستن از آن راه را نیز آسان گرداند.

پیدایش جشن سالروز تولد پیامبر ﷺ

حافظ ابن کثیر در کتاب البدایه والنهایه جلد ۱۱ ص ۱۷۲ می‌نویسد: که دولت فاطمی که از بردگان به قدرت رسیده و به عبیدالله بن میحون قداح یهودی منتسب می‌باشند و در سال‌های ۳۵۷ هـ - ۵۶۷ هـ در مصر حکومت می‌راندند. و در روزهای متعددی جشن‌هایی را با مناسبت‌های مختلف بر پا می‌کردند، که از جمله آن جشن‌ها جشن سالروز تولد پیامبر اکرم ﷺ بود که این مطلب را شیخ مقریزی در کتاب المواعظ والاعتبار جلد ۱ ص ۴۹۰ و شیخ محمد بخیت المطیمی مفتی سرزمین مصر در کتاب «أحسن الکلام فیما یتعلق بالسنة والبدعة من الأحکام» ص ۴۴ - ۴۵ تأیید می‌کند. که شیخ علی محفوظ در کتاب نفیس خود «الابداع فی مضار الإبتداع ص 251» و دیگران با این حکم موافق بوده‌اند.

بنابراین، نخستین کسانی که این جشن را بر پا داشتند. همان بردگان زندیق رافضی نوادگان عبدالله بن سبای یهودی بوده‌اند، و بعید

^۱ - متفق علیه.

است که آنها این جشن‌ها را بخاطر دوست داشتن پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله گرفته باشند بلکه با هدف پنهان دیگری بر پا می‌داشته‌اند.

حکم شرعی پیرامون جشن مولود خوانی

از لابلای نوشته‌های گذشته به این نتیجه می‌رسیم که تمام نیکی و خیر در پیروی از راه و روش سنت پیامبر ﷺ است و در سده‌های ارزشمند (طبق فرمایشات پیامبر) است و اینکه هر که دوست دارد با انواع عبادات خود را به خداوند نزدیک گرداند که در آن زمان وسه نبوده است عبادت آن شخص بر خود وی بر گردانده می‌شود و مردود می‌باشد. که این شخص گناه آن را متحمل خواهد شد، هرچند که در آن عبادت خلوص نیت داشته و تلاش و نیروی خود را صرف نماید. پس با توجه به مطالب فوق، خواننده گرامی جشن سالروز تولد پیامبر گرامی مردود می‌باشد اینک مطالب را فهرست وار بررسی می‌نمائیم:

۱- جشن مولود خوانی را نه پیامبرگرامی ﷺ و نه خلفای راشدین و نه هیچکدام از صحابه رضی الله عنهم و نه تابعین در سده‌های برتر انجام نداده‌اند درحالیکه آنها نسبت به سنت و سیره پیامبر داناترین و از لحاظ محبت و دوستی پیامبر کاملترین و از لحاظ پیروی از دستورات و شریعت محمدی متبع‌ترین افراد بوده‌اند و اگر چنانچه در مراسم جشن فایده‌ای می‌دیدند از ما سبقت گرفته زودتر اقدام می‌نمودند.

۲- کما اینکه گذشت اولین افرادی که به آن عمل نمودند، همان فاطمیون و زندیقی‌های قرن چهارم هجری بودند.

۳- در این نوع مراسم مشابهتی به مسیحیان است که آنها میلاد عیسی علیه السلام را جشن می‌گیرند در حالیکه ما از تشابه و تقلید در

اعیاد و مراسم به مسیحیان منع و نهی شده‌ایم. (پیامبر ﷺ در موارد مختلفی لفظ «خالفوا اليهود والنصارى» را تکرار فرموده‌اند که یعنی: «با یهود و نصاری (مسیحیان) مخالفت نماید». شبیه نگرديد به آنان و همچنين فرموده‌اند: «من تشبه بقوم فهو منهم» که هر کسی خود را شبیه گروهی سازد در آخرت با آنان شده از جمله آنان محسوب می‌گردد).

۴- از برپایی اینگونه مراسم و مانند آن این مضمون به ذهن می‌آید که خداوند سبحانه و تعالی برای امت محمدی دینش را کامل نگردانیده و پیامبر اکرم ﷺ آنچه را که لازم بوده به امت خود تبلیغ نکرده و سده‌های با فضیلت و برتر نیز در امر تعظیم نمودن پیامبر ﷺ و دوست داشتن ایشان و تقدیر و تشکر کردن از ایشان آنچه را که متأخرین انجام داده‌اند را نکرده‌اند و این سخن را کسی جز کافر زندیق و از دین خداوند خارج شده نمی‌گوید، و اعتقاد نمی‌ورزد در حالیکه پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَا بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَيْهِ أَنْ يَدُلَّ أُمَّتَهُ عَلَى خَيْرٍ مَا يَعْلَمُهُ لَهُمْ». «هیچ پیامبری از سوی خدا مبعوث نشده مگر اینکه این پیامبران مکلف بر هدایت نمودن امتشان به نیکی به آن اندازه که برای آنها کافی می‌دانند هستند»^۱.

و پیامبر ما ﷺ برترین پیامبران و خاتم و پایان دهندۀ آنها و کاملترین آنها از لحاظ پنددهی و تبلیغ دینش است و اگر چنانچه مراسم جشن و مولودخوانی جزو دین و شریعت مقدس اسلام محسوب

^۱ - امام مسلم در صحیح خود روایت فرموده.

می‌شد، پیامبر گرامی آن را به امت خود بیان مینمود یا آن را در قید حیات خود انجام می‌داد و یا صحابه کرام آن را انجام می‌دادند. و هیچکس نمی‌تواند بگوید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این مراسم را از جهت فروتنی و تواضع انجام نداده که این سخن نیز به ساحت مقدس ایشان طعن محسوب می‌شود چرا که اگر اینگونه بینداریم باید بگوییم که پیامبر صلی الله علیه و آله کار خیری را از امتش دریغ فرموده که «قسم به آن ذاتی که جانم در دست اوست» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اینگونه حرف‌ها دور است و مبراست.

و این سخن همچنان به صحابه کرام رضی الله عنهم که خداوند آنها را به پاکی یاد کرده و تزکیه نموده است. طعن و توهین است که آنها این مراسم را انجام نداده‌اند و در امر دین کوتاهی نموده‌اند، و به این امر مهم مبادرت نورزیده‌اند. حقا که چه مردان و شخصیت‌های بزرگی! و چه پیروان با کرامتی! حضرت خذیفه بن یمان رضی الله عنه می‌فرماید: «کل عبادہ لم يتبعدها أصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله فلا تتبعدوها، فإن الأول لم يدع لآخر مقابلاً، فاتقوا الله معشر القراء، وخذوا طريق من كان قبلكم». «هر نوع عبادتی که صحابه کرام رضی الله عنهم آن را انجام نداده‌اند، عبادت نگیرید، چرا که آن بزرگواران هیچ حرفی برای دیگران باقی نگذاشته‌اند، پس خواننده گرامی تقوای خداوند را در پیش‌گیر و راه و روش آن بزرگواران را در دست‌گیر».

۵- شب زنده داری در این شب دلیل بر محبت و دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌شود چه بسا افرادی را مشاهده می‌کنید که این مراسم و جشن‌ها را برپا می‌دارند در حالیکه آنها دورترین افراد از راه و

روش محمد مصطفی ﷺ هستند. چقدر اشخاص فاسق و فاجر هستند که آن شب را پاس می‌دارند و شب زنده داری می‌کنند. افرادی که ربا خوارند و نسبت به ادای نماز سست و تنبل هستند و سنتهای ظاهر و باطن را ضایع می‌کنند و به کارهای ناروا و گناهکاری و ارتکاب جنایات و فواحش معروفند. و مهمترین دلیل بر دوستی و محبت حقیقی ما نسبت به سرور و سالارمان محمد مصطفی ﷺ همان چیزی است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ «بگو (ای محمد) اگر شما خداوند را دوست می‌دارید پس پیروی از من کنید تا خداوند شما را دوست بدارد». پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «کلکم یدخل الجنة إلا من أبی، قالوا: ومن یأبی یا رسول الله؟ قال: من أطاعنی دخل الجنة ومن عصانی فقد أبی»^۱. «همه شما داخل بهشت می‌شوید بجز کسانی که سرپیچی می‌کنند. اصحاب پرسیدند ای رسول خدا چه کسی سرپیچی می‌کند؟ پیامبر ﷺ فرمود: هر که از من اطاعت کند وارد بهشت می‌شود و هر که از دستوراتم نافرمانی کند آن شخص سرپیچی کرده است». پس دوستی و محبت صادقانه وی در پیروی از اوست و به راه و روش ظاهر و باطنش پایبند بودن است و به طریقه و سنت وی وارد شدن و در ظاهر و باطن به او اقتدا نمودن در گفتار و کردار در خلق و خوی. شاعر می‌گوید:

^۱ - امام بخاری در صحیح البخاری روایت نموده است.

اگر در دوستی پیامبر راستگویی از وی اطاعت می‌کردی چرا که عاشق بر معشوق مطیع است.

۶- با تمام این اوصاف بیشتر علمای اسلامی سده‌های متأخره مفسد و منکرات و رسوای‌های بزرگی را که در مراسم مولود خوانی صورت می‌گرفت نگاشته‌اند، بلکه هر آن شخصی که در اینگونه مراسم‌ها شرکت می‌کردند و حضور داشتند بخود بر اینگونه مفسد اعتراف می‌کنند، افرادی که در این مراسم شرکت کرده‌اند ولی خداوند متعال بر آنها توفیق داده که از اینگونه مراسم دوری بجویند و آن را ترک نموده‌اند از افراد و علمای معاصر قراین گواهی این مطلب است) نمونه‌ای از این مفسد به زبان آوردن برخی کلمات شرکی و اغراق نمودن در مدح پیامبر ﷺ و سرودن برخی شعرهای حرام و مددخواهی و کمک خواستن از شخص پیامبر ﷺ و اعتقاد داشتن بر این که پیامبر غیب می‌داند. کماینکه در قصیده شیخ بوصیری که از بانیان اینگونه مراسم در مدح پیامبر ﷺ آمده است:

يا أكرم الخلق مالي من الودبه سواك عند حلول الحادث العمم
«ای کریم‌ترین حلائق من کسی را که به هنگام وقوع حوادث همگانی به وی پناه برم جز تو کسی را ندارم».

فان من جودك الدنيا وضررتها ومن علومك علم اللوح والقلم

«زیرا که از جود و سخاوت تو دنیا و هووی (آخرت) آن بوجود آمده علم لوح المحفوظ (علم غیب) و علم دنیا همه را می‌دانی».

و در اینگونه مراسم و جشن‌ها مرد و زن در هم می‌آمیزند و ساز و برگ و آلات موسیقی به کار می‌رود و شرابخواری و نگاه بد به نوجوانان

و اغراق در مدح اولیای خداوند صورت میگیرد و بسیاری از منکرات به طوری که به جهت تنوع در شهرهای مختلف شمارش آن دشوار می‌باشد حاصل می‌گردد، و حتی برخی آن را از شب قدر نیز با فضیلت‌تر دانسته‌اند و در این شب به اندازه‌ای که در شب قدر نکرده‌اند تلاش و کوشش نموده‌اند، تا جایی که وضعیت آنها به حدی رسیده که تارکین مراسم مولودخوانی را به کفر نسبت داده‌اند.

۷- روزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز متولد شد مصادف است با روزی که در آن روز وفات یافت که روز دوازدهم ربیع الاول می‌باشد - بنا بر مطالب کتاب‌های زندگانی پیامبر - پس بنابراین شادی در این روز شایسته‌تر از سوگواری نخواهد بود و اگر چنانچه دین و امور شرعی به رأی و نظر بود، ماتم و سوگواری در این روز شایسته‌تر از مراسم عید و جشن بود.

شبه افکنی و جواب آن

کسانیکه مراسم مولودخوانی را جائز می‌دانند (شبه افکنی می‌کنند) و دلایلی ذکر می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- آیه قرآن: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [آل عمران: ۳۱]. «بگو (ای محمد) به فضل و بخشش و رحمت خداوند و به آن سرخوش باشند که این کار از آنچه که جمع می‌کنند بهتر است». پس خداوند به ما دستور می‌دهد که به جهت رحمت او شاد باشیم و پیامبر اکرم ﷺ بزرگترین رحمت الهی است زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الانبیاء: ۱۰۷]. «ما ترا جز برای رحمت به جهانیان نفرستادیم».

جواب: استدلال نمودن آنها به دو آیه بی‌مورد است و حمل نمودن آیه به غیر منظور آیه است و ثابت نمودن وجهی است که، از داناترین مردم به کتاب خداوند و فهم‌ترین آنها به منظور خداوند و با درایت‌ترین به آیات قرآنی چنین وجهی ثابت نشده است و مخالفت بر قواعد و قوانین شریعت در فهم معانی قرآنی و استنباط نمودن معانی در فهم سلف صالح و قرنهای بافضیلت گذشته است در حالیکه شیخ بن قیم رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید که گفتار سلف صالح در منظور خداوند از این آیه این است که فضل و رحمت خداوند همانا قرآن و سنت پیامبر است.

۲- آنچه که در صحیحین ثبت شده مبنی بر اینکه پیامبر ﷺ یهودیان مدینه را دید که در روز عاشورا روزه می‌گیرند و علت را از آنها پرسید آنها جواب دادند که روز عاشورا روزی است که خداوند فرعون را غرق کرد و حضرت موسی ﷺ را نجات داد و ما از جهت شکرگزاری بر خداوند آنروز را روزه می‌گیریم. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من از شما به موسی ﷺ حق دارترم و ایشان (پیامبر اکرم ﷺ) نیز آن روز را روزه گرفتند و به روزه گرفتن در آن روز دستور دادند. آنها (مؤیدین مولودخوانی) می‌گویند چه نعمتی بزرگتر از نعمتی است که پیامبر گرامی مان، پیامبر رحمت در آنروز ابراز شادی کند و بنابراین به مسلمانان نیز لازم می‌شود که در آنروز به شکرانه این نعمت با جشن گرفتن ابراز شادی کنیم.

جواب: استدلال آنها به روزه روز عاشورا استدلال باطلی است و قیاس فاسدی است چرا که ما باید به خاطر نعمت بعثت پیامبر بزرگوارمان خداوند را شاکر باشیم نه بر میلاد وی. علاوه بر آن روزه روز عاشورا مشروع است و به استناد سنت پیامبر گرامی مان ﷺ مستحب می‌باشد در حالیکه در سیره و سنت پیامبر جشن گرفتن میلاد ایشان برای ما مشروع نمی‌باشد.

۳- حدیثی که بیهقی از انس رضی الله عنه روایت می‌کند بدین مضمون که پیامبر گرامی ﷺ پس از نبوت سالروز تولد خودش را عقیقه کرد. با توجه به اینکه عبدالمطلب جد بزرگوارش نیز روز هفتم میلادش را عقیقه نموده بود، پس این عمل تکراری پیامبر را اظهار نمودن شکر بر خدا بر رحمت به جهانیان نمودنش حمل

می‌کنند. کما اینکه به امتش مشروع می‌باشد تا از آن راه و روش تبعیت کنند.

جواب: این حدیث را امام مالک رحمته الله جزو سخنان و احادیث باطل ذکر کرده‌اند کما اینکه از ابن رشد در کتاب «العقیقة» - از کتاب‌های مقدمات و ممه‌دات - نقل نموده و امامانی چون عبدالرزاق و ابو داود و امام احمد و ابن حبان و بزار و دیگران ضعیف بودن سند این حدیث را بیان نموده‌اند. (به دلیل ضعیف بودن احادیث منقوله از عبدالله بن المحور که یکی از راویان این حدیث است) و بر فرض صحیح بودن این حدیث دلیلی بر مولودخوانی در آن نیست.

۴- حدیثی که از عروه روایت شده که در حق ثویبه کنیز ابولهب که ابولهب بخاطر مژدگانی ایشان به تولد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را آزاد نمود و پیامبر را شیر می‌داد می‌گوید. که پس از فوت ابولهب او را در خواب دیده‌اند که در میان آتش جهنم است از حال او پرسیدند. گفته شده که او در آتش جهنم است مگر اینکه در هر شب دوشنبه بخاطر اینکه ثویبه را جهت مژدگانی میلاد پیامبر آزاد کرده، تخفیف داده می‌شود و آتش جهنم کاسته می‌شود (مؤیدین مولودخوانی) می‌گویند اگر حال و روز ابولهب کافر در میان اهل جهنم به خاطر مژدگانی میلاد پیامبر اینگونه باشد و با اینکه وی کافر است تخفیف قائل شوند پس حال و روز مسلمان یکتا پرستی که به میلاد پیامبر اظهار خوشی می‌کند و آنچه را که در توان دارد برای خوشحالی دیگران صرف می‌نماید چه خواهد بود؟

جواب: این حدیث نیز کما اینکه امام بخاری و حافظ در کتاب الفتح ذکر و بیان نموده حدیث مرسل است.

کما اینکه خواب و رؤیا نیز نمی‌تواند دلیل باشد این قصه مخالف ظاهر قرآن کریم است. جائیکه آیات متعددی دلالت دارد بر اینکه هیچ عمل نیکی بر کافر روز قیامت منفعتی نخواهد داشت آیه کریمه: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳]. «و متوجه شدیم به سوی آنچه کردند از کردار پس آن را مانند ذره‌های پراکنده ساختمیم (بر باد کردیم) کافر هر عمل نیکی که انجام می‌دهد نتیجه‌اش را در همین دنیا می‌بیند». و در آخرت از عذاب آنها کاسته نمی‌شود و لحظه‌ای مهلت و یا اجازه استراحت داده نمی‌شوند چنانچه در آیه ۸۶ و ۱۶۲ سوره مبارکه بقره و آیه ۸۸ سوره مبارکه آل عمران و آیه ۸۵ سوره مبارکه نحل بدان سرحا می‌فرماید: ﴿فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [البقرة: ۸۸]. و در بقیه ﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [آل عمران: ۸۵]. آمده و در آیه ۳۶ سوره مبارکه فاطر آمده: ﴿وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا﴾ [فاطر: ۳۶].

۵- گویند اگر جشن و مراسم مولودخوانی در روز دوازدهم ربیع الاول و یا ماه ربیع الاول و یا هر روز شخص دیگری انجام نگرفت بلکه در روزها و یا ماه‌های دیگر انجام پذیرد اشکالی ندارد و جشن گیرنده مأجور است.

جواب: این ادعا نیز باطل است و حرفی مفت و مردود است زیرا که اصل در عبادات و امور شرعی، توقیفی است و هیچ عبادتی که برای خداوند متعال انجام گیرد بدون معین و کیفیت خاص مادامیکه از جانب شارع امر خاصی نیامده باشد جایز نیست و گرچه برای ذکر خداوند متعال و یا قرائت سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد. درحالیکه

در واقع این مراسم و جلسه‌ها در ماه ربیع الاول فراوان می‌شود و حتی برای شکرگزاری آن جمع می‌شوند.

۶- مولودخوانی حلقه ذکر است و صدقه و خیرات و مدح پیامبر و تعظیم جناب پیامبر صورت می‌گیرد و این کارها از لحاظ شرعی کارهای مطلوب و پسندیده است و احادیث صحیحی نیز در این باره و در تأیید اینگونه اعمال آمده است.

جواب: آری احادیث فراوانی درباره تشویق و تحسین ذکر خداوند و انواع صدقات و خیرات آمده است و لیکن ثوابی برای اینگونه اجتماعات بخصوص با این شکل و هیئت خاصی و در وقت مخصوص نیامده است و هیچگونه تحریض و تشویقی نیز برای آنچه که در این شبها از ذکرها و دعاها خوانده می‌شود به دست نرسیده و هیچ اصالت شرعی و دلالت وحی ندارد و آن شعرهایی که آکنده از اغراق و غلو در مدح و یاهو گویی‌ها به عین ذکر نگردیده است.

۷- شخصی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از روزه روز دوشنبه پرسیده، پیامبر صلی الله علیه و آله جواب دادند: روز دوشنبه روز میلاد من و روزی است که بر من وحی نازل شد. مسلم روایت می‌کند.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله روز دوشنبه را بخاطر اینکه در آنروز زاده شده تعظیم نموده است. روز میلاد ایشان را که با دوازدهم ربیع الاول مصادف است برای تعظیم و جشن‌گیری تعیین شده است.

جواب: آنچه از طرف شارع برای روز دوشنبه هر هفته خواسته شده روزه گرفتن در آن روز است و نه بیشتر و بدون قید و بند آن به سال و به ماه بلکه هر هفته روز دوشنبه مستحب است روزه گرفت. پس موافقت پیامبر صلی الله علیه و آله در روزه گرفتن، روز دوشنبه است بدون قید آن به روز معینی (اعم از ماه و سال) در حالیکه آنها - آن روز را فقط به روز

دوشنبه ماه ربیع الاول در هر سال خاصی می‌گردانند - گذشته از این آنها این روز را به خاطر توصیه و سفارش پیامبر ﷺ به روزه گرفتن این روز آن را بزرگ نمی‌شمارند و با اینکه در این روز به اندازه‌ای فضیلت و ثواب نهفته که اعمال بندگان را فرامین خداوند تحت پوشش قرار می‌دهد و روزه دار بودن شخص را در آن روز با فضیلت‌تر قرار داده ولی آنها (مبتدعین) آنروز را با خوردن و نوشیدن و طرب و شادی در بدترین حالت تکریم می‌نمایند و با توجه به اینکه عبادات توقیفی است و فقط از جانب شارع باید تعیین گردد. پس روزی را خاص عبادت یا عبادتی را به خداوند نسبت دادن نیاز به دلیل شرعی دارد و به اینگونه از بدعت‌ها هیچگونه دلیلی شرعی وجود ندارد (مانند مطالب گذشته) و فراموش نشود که آنچه که ما به آن اشاره کردیم این است که روز دوازدهم ربیع الاول روز وفات پیامبر ﷺ و قطع شدن وحی از آسمان به سوی زمین است (بنابر قول علمای شرع) پس ترا خدا به من بگو که آیا برای وفات پیامبر ﷺ باید مراسم گرفت (و سوگواری کرد) و یا برای ولادت ایشان (جشن و سرور کرد) و آیا اصولاً می‌شود در یک روز هم غم و هم شادی کرد؟؟ و در پایان عرایض باید عرض کنم - که بنده که گمان نمی‌کنم که ایمان و تقوای شما و پیروی از دوست و حبیب دلت محمد مصطفی ﷺ و پیش کشیدن شریعتش بر هوی و هوست و رأی و نظرت و نظر مردم و حرف‌های آنها اجازه بده، بنده گمان می‌کنم که همهٔ موارد فوق جملگی به تو می‌گویند: «مراسم نگیر» «لا تحتفل» خداوند متعال بر پیامبر گرامی مان محمد مصطفی و اهل بیت و جمیع اصحاب وی درود فرستد. والسلام

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین